

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۱۱/۰۱/۱۶

وقتی که مردم تصمیم می گیرند!

من همیشه به قدرت مردم به مثابه تنها و ضروری ترین عامل تغییر در یک جامعه استبداد زده باور داشته ام و به همین دلیل همواره در بررسی قضایا و مشکلات کشور، چه این مشکلات از درون کشور بروز کنند چه از بیرون، اولتر از همه خود مردم را، به هر علتی که باشد، مسبب تمام مشکلات دانسته و همیشه آن ها را مقصر وضع ناگوار شان می دانم.

سبب و انگیزه این قضاوت روشن است. اگر مردم نخواهند و موقع را برای یک دیکتاتور و چهار نفر دستیار گوش به فرمان او مهیا نکنند، چند انسان فاسد، غیردموکرات و زورگو هیچ گاه و تحت هیچ شرایط و امکاناتی نمی توانند بر آن ها، به هر شکلی که خواسته باشند، حکومت کنند.

بیست و سه سال جمهوری سلطنتی در تونس - مانند مصر و سوریه و ایران و یکی دو کشور آسیای میانه - نمایانگر این اصل است که حکومت های استبدادی و غیرقانونی، یا تداوم حکومت های استبدادی و غیرقانونی، عمده بستگی به موقف مردم در برابر این حکومت ها دارد. بهترین مؤید و دلیل برای این نظر سقوط یک دیکتاتوری بیست و سه ساله در بیست و نه روز است. بیست و سه سال سکوت برابر است با بیست و سه سال خشونت، استبداد و نقض حقوق و آزادی های اساسی مردم توسط یک مشت انسان مستبد و بیست و نه روز قیام یعنی آزادی از زندانی به گسترده یک کشور!

در کشور تونس همه مسائل برای یک خیزش مهیا بود. بیکاری، فقر، فساد دولتی، اجحاف، خودسری و بی قانونی کارمندان دولت، اقتصاد ورشکسته و بالاخره حوصله به ته کشیده مردم، تمام شرایط عینی را برای یک قیام علیه دولت آماده ساخته بود.

طبیعی است که برای آماده ساختن شرایط ذهنی، در کنار شرایط عینی، برای یک حرکت یا خیزش معترضانه علیه نظام های استبدادی به محرک های بیشتری نیاز دیده می شود. یکی از این محرک ها - البته ضروری ترین آن ها - سطح بالای آگاهی های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و داشتن سواد یا تحصیل کافی در یک کشور است. ولی همان

گونه که آمد و خواندید داشتن سواد کافی یا سطح بالای آگاهی های لازم - اگرچه ضروری - ولی تنها محرکی نیست که مردم را متوجه وضع نامطلوب آن ها بسازد و آن ها را به حرکت علیه حکومت های مطلق گرا وادار سازد. آن چه برابر با سطح بالای آگاهی ها از اهمیت چشمگیر و غیرقابل انکار برای جوشش حرکت های معترضانه علیه حکومت های مستبد و فاسد برخوردار است، زندگی عملی و عینی روزانه مردم است که مردم آن را با تمام حواس خویش هر روز و هر لحظه تجربه می کنند.

بیست و سه سال پی هم در یک مقام ماندن و هیچ کاری در جهت بهبود زندگی، آرامی و رفاه مردم انجام ندادن به طور قطع بی شعور ترین انسان ها را هم به این فکر وادار می کند که حکومت با چه حقی بیست و سه سال - در انتخابات قلابی سال ۲۰۰۴ %۹۴ و در سال ۲۰۰۹ %۸۹ مردم به او رأی داده بودند(!) - بر اریکه قدرت تکیه زده و ما چرا این همه سال ها را، این همه بیداد و قانون شکنی ها و دزدی و اختلاس های حکومت را، این همه درد و فلاکت را با سکوت و هراس متحمل شده ایم؟

حرکت اعتراضی مردم تونس بیشتر از همه نتیجه همین گونه مدرکات یا شرایط عینی و ملموسی بود که مردم آن ها را در طول سالیان دراز تجربه نموده بودند و می دانستند که امیدی به تغییر اوضاع به شکل عادی آن وجود ندارد. مردم تونس بادرک این اصل، و از آن جا که کارد استبداد به استخوان شان رسیده بود، با یک قیام متشکل و قاطع در کمتر از یک ماه به جهانیان - به طور اخص به کشور های مانند کشور تونس یا بدتر از آن (افغانستان) - نشان دادند که هیچ امری ناشدنی نیست؛ و دیکتاتور ها، خلاف آنچه فکر می شود، مردمان روئین تن (شکست ناپذیر) نیستند.

تونس ها - باز هم به سلسله درس های بی شمار تاریخ، به خصوص درس های انقلاب های سال های اخیر سده پیشین در اروپای شرقی - این امر مسلم را ثابت نمودند که دیکتاتوری ها را هم بالاخره پایانی است و روزی بر سر دیکتاتوران هم آتشفشان مرگ خواهد بارید. منتها این مرگ ها را باید مردم بخواهند و اراده کنند. سقوط و فرار رئیس جمهور تونس - از تونس به عربستان سعودی - از آنجائیکه او را به مالت و فرانسه راه ندادند - درسی است نه تنها برای همه دیکتاتورانی که می پندارند با ابزار و نیروی سرکوب و خفقان می توانند اراده و خواست مردم را برای همیشه نابود کنند، بلکه آموزه و آزمونی است برای همه مردمانی که حقوق و آزادی های اساسی آن ها به وسیله دیکتاتوران و حکومت های استبدادی همواره نادیده گرفته می شود و همواره نادیده گرفته شده است.

رئیس جمهور تونس بعد از خودسوزی محمد آلبوعیزی و بعد از آن که امواج این قیام پر از خشم سراسر تونس را درنوردید، اول تمام امکانات سرکوب را برای تخویف مردم به کار برد و بعد از آن که از این کارش نتیجه ای نگرفت وعده اشتغال زائی و انجام اصلاحات به نفع مردم را داد، اما مانند همیشه و مانند همه مستبدین و دیکتاتورانی که گویا در زمان سقوط سر عقل می آیند، این اقدامات یا وعده و وعید ها - واقعی یا غیرواقعی - زمانی صورت می گیرند که کار از کار می گذرد.

برای تخمین تفاوت ها بین مردم عادی و دولتمردان فاسد تونس لازم است تنها دو نکته را یادآور شوم:

۱- محمدآلبوعیزی جوان، باوجود داشتن تحصیلات عالی برای سیر کردن شکم خود و فامیلش مجبور بود برروی کراچی در کنار جاده ها خود را به کار فروش سبزیجات مشغول سازد.

۲- و جناب رئیس جمهور، بنابر افزونی سرمایه، از دولتمردان قطر تقاضا نموده بود که وی را در پروژه های خویش که به منظور ساختن دهکده جام جهانی ۲۰۲۲ روی دست دارند، سهیم سازند.

اینکه کارد استبداد دینی - سیاسی چه زمانی به استخوان مردم ما می رسد و مردم ما چه وقت متوجه بیداد بیدادگران مستکبر و متوجه وضعیت ناگوار خود می شوند و چه وقت به نیرو و قدرت بی پایان خود ملتفت می گردند و چه وقت در برابر مشتی اراذل فرسوده مغز و زمان زده به پا می خیزند، حرفی است که به مدرکات، تحمل و اراده مردم ما بستگی دارد. و الا درس همین است که تاریخ و مردمان کشور ها، یکی پی دیگری، و به تکرار، به ما می دهند.